



۲

تخصیص ۵ هزار میلیارد تومان
تسهیلات بانکی به سرمایه‌گذاران



2

ایده‌های جذاب برای تقویت
خلاقیت کودکان



3



مایع دستشویی را هوشمندانه
انتخاب کنیم

«人»



روی خوش سرمایه‌گذاران
به اینجاها

« Y »



آلہوم تصاویر

«سينما»

《Δ-Ψ》

فاترازی مدیریت

■ محمد جواد مکتبی

استان گلستان با ویژگی‌های خاص جغرافیایی و فرهنگی خود، یکی از مناطق مهم شمال ایران به شمار می‌آید. این استان که از تنوع قومی، فرهنگی و اقتصادی بسیاری برخوردار است، در کنار پتانسیل‌های طبیعی و انسانی خود، با چالش‌های متعددی نیز مواجه است. یکی از بارزترین این چالش‌ها، ناترازی مدیریتی است که به‌طور خاص در سطوح مختلف مدیریت اجرایی و برنامه‌ریزی استان خود را نمایان کرده است. ناترازی مدیریتی به معنای عدم هماهنگی و توازن میان سیاست‌ها، منابع و اقدامات مختلف در سطح مدیریت استان است که می‌تواند تأثیرات منفی زیادی بر رشد و توسعه استان بگذارد. یکی از دلایل اصلی ناترازی مدیریتی در استان گلستان، عدم هم‌راستایی بین اهداف کلان و اجرایی است. این مسئله بیشتر به ناهماهنگی میان دستگاه‌های دولتی و بخش خصوصی برمی‌گردد. در بسیاری از موارد، سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه‌ای که از سوی دولت در سطح استان ابلاغ می‌شود، با واقعیت‌های محلی و نیازهای مردم هم‌خوانی ندارد. به عنوان مثال، در حوزه کشاورزی که از ارکان اصلی اقتصاد و معیشت استان گلستان محسوب می‌شود، ناترازی میان سیاست‌های کلان کشاورزی و شیوه‌های سنتی و بومی تولید در منطقه، باعث کاهش بهره‌وری و ایجاد نارضایتی در میان کشاورزان شده است. بسیاری از کشاورزان هنوز بر روش‌های سنتی تولید تکیه دارند و با سیاست‌های نوین که از سوی دستگاه‌های دولتی به آنها تحمیل می‌شود، هماهنگ نبوده و حاضر به پذیرش آنها نیستند. عامل بسیار مهم دیگر، عدم تخصص و کارآمدی کافی در بدنه مدیریتی استان است. در برخی از بخش‌های اجرایی و مدیریتی استان، افراد منصوب‌شده نه تنها از تخصص‌های لازم برخوردار نیستند، بلکه در مواردی با تصمیم‌گیری‌های غیرکارشناسی، مشکلات بیشتری برای استان ایجاد می‌کنند. این ناترازی در برخی مواقع خود را در قالب ضعف نظارت‌ها و تصمیمات غیرعملی نشان می‌دهد که به‌جای حل مشکلات موجود، آن‌ها را پیچیده‌تر و گره‌های موجود را کورتر می‌کند.

ادامه در صفحه ۲

اسراف گلستانی‌ها

گلستان رتبه دوم مصرف آب خانگی کشور را داراست و این بازتاب یک بحران فرهنگی و اجتماعی است



بلندمدت، مشارکت نهادهای آموزشی، بهره مندی از ظرفیت شبکه های اجتماعی و حضور متخصصان جامعه شناسی و علوم تربیتی در فرایند سیاست گذاری فرهنگی استان است. سال هاست استان گلستان فاقد برنامه منسجم و نظام مند در حوزه فرهنگی و اجتماعی است و این غفلت موجب تشدید بحران های فرهنگی و گسترش مسائل اجتماعی شده است. بی تردید قرار گرفتن گلستان در رتبه دوم مصرف آب خانگی کشور، بازتاب عدم توجه به اهمیت برنامه ریزی فرهنگی طی دو دهه اخیر است. رتبه دوم مصرف آب خانگی در کشور، زنگ خطری جدی برای آینده ی منابع آب، پایداری اجتماعی و توسعه ی فرهنگی استان است و قطعاً بی توجهی به ابعاد فرهنگی مدیریت آب، در آینده ی نه چندان دور، برای گلستان پیامدهایی ناگوار و جبران ناپذیر خواهد داشت. بررسی علمی علل افزایش بی رویه مصرف باید مبنای طراحی راهکارهای فرهنگی، آموزشی و ساختاری قرار گیرد. از سوی دیگر، تحقق توسعه پایدار در گرو آن است که فرهنگ و آموزش به عنوان بنیان اصلی سیاست گذاری های مدیریتی مورد توجه جدی مسئولان و سازمان های ذیربط در استان قرار گیرند؛ چرا که گلستان بدون درک و توجه به مؤلفه های فرهنگی و اجتماعی، از دسترسی به فرصت های توسعه و پیشرفت باز خواهد ماند.

پژوهشگر حوزه مسائل اجتماعی

پایله مهاجرت و ورود گروه‌های آسیب‌دیده مرتبط است. ناآشنایی این گروه‌ها با شیوه‌های صرفه‌جویی و نبود آموزش رسمی در سطح محلات و مدارس، به شکل‌گیری الگوهای غلط مصرف‌دامن زده است. با وجود شرایط بحرانی، هنوز در سطح استان، به‌ویژه در شهرستان‌ها، برنامه‌های فرهنگی منسجم برای ترویج الگوی مصرف پایدار آب مشاهده نمی‌شود. ضروری است سازمان‌های مرتبط به بانگراری دوره‌ای و نوسازی تجهیزات فرسوده آب‌رسانی و شیرهای معیوب اقدام کنند و هم‌زمان اقدامات مربوط به فرهنگ‌سازی هدفمند را در دستور کار قرار دهند. متأسفانه هنوز درک عمومی از اهمیت آموزش فرهنگی به مرحله عمل نرسیده است؛ گمان می‌شود با چند ساعت آموزش محدود و نصب چند بنر در سطح شهرهای استان گلستان، می‌توان ریشه‌های یک مسئله رفتاری را حل کرد در حالی که تغیب فرهنگ مصرف‌آسان‌مند برنامه‌های

و فرهنگ‌سازی، فرسودگی زیرساخت‌های آبی و فقدان نظارت موثر در استان گلستان است. از جمله عوامل اصلی افزایش مصرف آب، می‌توان به ورود اتباع بیگانه و تنوع فرهنگی ناشی از مهاجرت، ضعف مدارس در آموزش عملی درباره مصرف آب، محرومیت های اجتماعی فزاینده، فقدان برنامه های فرهنگی موثر، بی توجهی به ظرفیت شبکه های اجتماعی و استفاده‌های غیرضروری از آب شرب در امور روزمره اشاره کرد. در فضاهای عمومی و محلات شهری، رفتارهایی نظیر شست و شوی خودرو و معابر با آب شرب به‌وفور دیده می‌شود؛ در حالی که مدیران ساختمان‌ها و شهروندان باید به اصول مدیریت مصرف آب و مسئولیت اجتماعی در نگهداری منابع طبیعی آگاهی داشته باشند. قطعاً استمرار این روند، منابع آبی استان گلستان را در آینده ای نزدیک به مرز زوال می‌کشاند. از سوی دیگر، بخش قابل توجهی از افزایش مصرف با

حسین جعفری - بر اساس آمارهای رسمی، استان گلستان با سرانه مصرف روزانه ۲۱۰ لیتر آب برای هر نفر، پس از استان تهران در جایگاه دومین استان پرمصرف کشور قرار دارد. این رقم در شرایطی ثبت شده که گلستان در گروه استان‌های دارای وضعیت خشکسالی و تنش آبی جای می‌گیرد؛ واقعیتی که حکایت از یک بحران فرهنگی و اجتماعی عمیق دارد و بی‌توجهی به آن می‌تواند آینده‌ی توسعه استان را به‌طور جلی تهدید کند. در برنامه‌های توسعه پنجم، ششم و هفتم کشور، بارها بر ضرورت الحاق پیوست‌های فرهنگی در سیاست‌های زیربنایی و توسعه محور تأکید شده است. از این منظر، مسئله مصرف آب در درجه نخست یک مسئله فرهنگی است؛ زیرا الگوی مصرف آب ارتباط مستقیم با باورها، ارزش‌ها، نگرش‌ها، شیوه‌های جامعه‌پذیری و سطح آموزش عمومی دارد. در مرتبه دوم، این موضوع یک مسئله اجتماعی محسوب می‌شود زیرا محدودیت منابع آبی نه تنها منجر به نارضایتی‌های عمومی و تنش‌های اجتماعی می‌شود بلکه می‌تواند بنیان‌های سرمایه اجتماعی را نیز متزلزل سازد و به تعمیق شکاف‌های طبقاتی منجر شود. در حالی که در استان سمنان میانگین مصرف آب روزانه هر فرد حدود ۱۳۲ لیتر است، این میزان در گلستان به ۲۱۰ لیتر می‌رسد. مسئولان اجرایی نباید از کنار این آمار به راحتی عبور کنند، چرا که این تفاوت چشمگیر نشانه‌ای از ضعف در آموزش

ادامه یادداشت اول

به طور خاص، استان گلستان به دلیل تنوع قومی و فرهنگی، نیاز به رویکردهای مدیریتی خاص و حساس به این تفاوت‌ها دارد. در غیاب یک هماهنگی مؤثر و درک درست از این تنوع‌ها، تصمیمات نادرست می‌تواند باعث تشدید تنش‌های اجتماعی و فرهنگی در استان شود. برای مقابله با ناترازی مدیریتی در استان گلستان، نیاز به اصلاحات بنیادین در سیستم مدیریتی و اجرایی استان است. اولین گام، تقویت هماهنگی بین دستگاه‌های دولتی و بخش خصوصی است. این امر می‌تواند از طریق برگزاری جلسات منظم، تبادل نظر و همکاری با ذینفعان مختلف در هر حوزه، به ویژه در بخش‌های کشاورزی، صنعت و گردشگری، تحقق یابد. همچنین، باید به آموزش و ارتقاء سطح تخصصی مدیران در سطوح مختلف توجه بیشتری کرد تا تصمیمات مبتنی بر تحلیل‌های علمی و کارشناسی گرفته شود. دومین گام، توجه ویژه به نیازهای بومی و محلی مردم استان است. سیاست‌های کلان باید با توجه به ویژگی‌ها و ظرفیت‌های خاص هر منطقه از استان، به‌طور ویژه و تخصصی طراحی شوند. به عنوان مثال، در بخش کشاورزی، توجه به

روش‌های بومی و استفاده از تجربیات محلی می‌تواند هم‌راستا با سیاست‌های نوین قرار گیرد تا بهره‌وری بیشتری حاصل شود. در نهایت، برای مقابله با ناترازی مدیریتی در استان گلستان، نیاز به برنامه‌ریزی بلندمدت و نگاه جامع به توسعه است. این برنامه‌ریزی باید به گونه‌ای باشد که تمامی ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی استان و نه فقط مرکز استان بلکه همه مناطق از بندرگز تا مراوه تپه را در برگیرد و با ایجاد هم‌افزایی بین همه بخش‌ها، به رشد و توسعه پایدار استان کمک کند. ناترازی مدیریتی در استان گلستان، چالشی پیچیده است که به طور مستقیم بر توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی استان تأثیر می‌گذارد. این ناترازی به‌ویژه در زمینه‌های کشاورزی، گردشگری و اشتغال به وضوح قابل مشاهده است و می‌تواند بر آینده استان تأثیرات منفی زیادی داشته باشد. برای حل این مشکل، نیاز به اصلاحات اساسی و بنیادین در سیاست‌گذاری‌ها، تصمیم‌گیری‌ها و شیوه‌های مدیریتی استان داریم. وضعیت کنونی نشان می‌دهد که عدم هماهنگی بین سیاست‌ها و منابع موجود، مانع اصلی در راه توسعه پایدار است. وقتی

که منابع استان به‌طور بهینه مدیریت نمی‌شوند و سیاست‌های موجود نه تنها هماهنگ نیستند بلکه در بسیاری مواقع تضاد دارند، طبیعی است که توسعه در جهت صحیح و مؤثر پیش نمی‌رود. این امر نه تنها موجب اتلاف منابع مالی و انسانی شده، بلکه باعث ایجاد بحران‌های اجتماعی و اقتصادی نیز می‌شود. مسئولان باید به این نکته توجه کنند که بدون اصلاح و تجدید نظر جدی در رویکردهای مدیریتی، هرگونه تلاش برای پیشرفت، بیشتر از آن که به نتیجه مطلوب برسد، تبدیل به یک تلاش بیهوده خواهد شد. زمان آن رسیده که به جای رویکردهای سنتی و آزمون و خطا، سیاست‌های جامع و مبتنی بر واقعیت‌های میدانی تدوین شوند. بایستی است که اگر بتوانیم پیوندی مؤثر میان سیاست‌ها، منابع و اهداف توسعه‌ای ایجاد کنیم، ادامه وضع موجود نه تنها استان را به سمت پیشرفت هدایت نخواهد کرد، بلکه آن را از مسیر رشد و توسعه پایدار به سمت رکود هر چه بیشتر خواهد برد. لذا ضروری است که مسئولین به‌طور جدی و مسئولانه به اصلاح ساختارهای موجود پرداخته و برای ایجاد تحول‌های بنیادی در شیوه‌های مدیریت اقدام کنند.

دیدار ورزشی نویسان با پیشکسوت فوتبال گرگان و مازندران

وازشیاه و سپیدهای آن روزهای فوتبال گرگان و استان یاد کرد که برای خبرنگاران والته انتقال آن ها به نسل امروز وفردا بسیار جالب وشنیدنی خواهد بود. در این دیدارورزشی نویسان ازاخلاق ومعرفت واز زحمات بی منت وخالصانه منوچهر عقیلی در عرصه ی فوتبال وبسکتبال صحبت کردند وهمگی از پرودرگارتندرستی وشادکامی را برای ایشان آرزو نمودند. یادآور می شود که در این دورهمی ورزشی نویسان، مهدی اسلامی مدیر کل حوزه ی استاندارکه خود دارای سوابق ورزشی است وعلی نصیبی فرماندار گرگان که از ورزشی نویسان پیشکسوت گرگان زمین محسوب می شود به همراه احمد تجری مدیر کل دفترسرمایه گذاری وزارت میراث فرهنگی، گردشگری وصنایع دستی که به عنوان فعال فرهنگی اجتماعی استان برای دیدار باپیشکسوت فوتبال استان ازتهران به گرگان آمده بودند نیز حضور داشتند. علی نصیبی، مهدی اسلامی واحمد تجری همگی نسبت به قدر شناسی از مفاخر ویزرگان فرهنگی، ورزشی واجتماعی استان تاکیدداشتندوبالهدای لوح سپاس، از زحمات وخدمات ۶۵ساله ی منوچهر عقیلی در عرصه ی ورزش قدردانی نمودند.



بسکتبال ایران وفینال آن) بین تیم پرسپولیس گرگان وپهلوی (تهران) در۲۷ اردی بهشت ۱۳۵۵ نیزحضورداشت. دراین جلسه استاد عقیلی ازخاطرات دور ونزدیک

گرگان، علاوه بر فوتبال درکنار زنده یاد شعبان قاری پدر بسکتبال گرگان، سرپرست تیم پرسپولیس گرگان شد ودرجام ولیعهد دراولین دوره ی مسابقات باشگاهی

بهنام نیک پیام- در روزگار فعلی هرجامعه ای باید با پند از گذشته آینده اش را بسازد. آینده ای که برای نسل فعلی و آیندگان جامعه مثمر ثمر خواهد بود. گذشته را پیشینیان ونباکانمان ساختند و برای آن بسیار خون دل ها خوردند تا نهال معرفت به درخت انسانیت تبدیل شد وامروز مادرسیاه سارعشق و عطوفت آن ها بسر می بریم. پیشکسوتان جامعه در هر رشته و زمینه ای که فعالیت کرده باشند ثمره اش به هم نسلان وآیندگان رسیده وخواهد رسید. بنابراین برماست که زحماتشان را پاس بداریم ویکوشیم ادامه دهنده ی راهشان باشیم. باهمین باور و با نگاه قدرشناسی، جمعی از ورزشی نویسان برای قدردانی از زحمات شصت وپنج ساله ی منوچهر عقیلی پیشکسوت فوتبال گرگان ومازندران وهمچنین مدرس فدراسیون فوتبال، به دیدار ایشان رفتند. منوچهر عقیلی متولد ۱۳۱۸گرگان که ازسال ۱۳۳۵درزمین های خاکی وسنگلاخی گرگان فوتبالش راشروع کرد ویرای ترویج ورونق آن زحمات زیادی رامتحمل شد. دیری نپایید که به عضویت منتخب مازندران درآمد وبه عنوان کاپیتان این استان در زمین فوتبال ایفای نقش کرد. پس از آن به عنوان نماینده ی باشگاه شاهین در

تخصیص ۵ هزار میلیارد تومان تسهیلات بانکی به سرمایه گذاران

با مداومت و پیگیری به نتیجه می‌رسد و در نظام جمهوری اسلامی نشانی وجود نداردوی مشکلات زمین را یکی از موانع اصلی دانست و گفت: بنیاد علوی و نهادهای دیگر زمین‌های لم یزرع را پس از سرمایه‌گذاری و تغییر کاربری با قیمت روز مطالبه می‌کنند که این مسائل، انسجام اجتماعی را کاهش می‌دهد. استاندار گلستان از قوه قضاییه خواستار حل اساسی این مشکلات شد و ادامه داد: وارث پروژه‌های ناتمام بی پایان هستیم حتی مردم ساکن روستاهایی مانند آیت‌مر از توابع شهر کرند مجبورند زمین اجلادی مردم را باید از یک نهاد دیگر بخرند. طهماسبی با اشاره به تحریم‌های ظالمانه بیش از ۴۰ سال که حتی ابرقدرتی مانند روسیه یک ماه دوام نیاورد بر تاب آوری ملت ایران بالید و گفت: ۸۵ درصد منابع دولتی جاری و تنها ۱۵ درصد عمرانی است که زیر ۴۰ تا ۵۰ درصد محقق می‌شود اما چرخ مملکت متوقف نشده و بانک‌ها بانرخ‌های بالا تسهیلات می‌دهندوی از خدمات دولت برای گلستان در بخش آب خبر داد و گفت: جنگ آینده جنگ آب است و در این شرایط، ۹۵ درصد آب آشامیدنی استان از زیرزمین تأمین می‌شود که فرونشست زمین رارتبه یک کشور کرده و بیش از ۲۰ هزار چاه غیرمجاز وجود دارد.



پیگیری می‌شود. طهماسبی همچنین بر پیگیری منطقه آزاد اینچه‌برون با مصوبه‌از مجلس، مجمع تشخیص مصلحت و شورای نگهبان تأکید کرد و افزود: هر کاری

استاندار گلستان گفت: در راستای حمایت از تولید و سرمایه‌گذاری در استان، چند بانک کشوری هر یک پنج هزار میلیارد تومان تسهیلات به عنوان سهمیه به این استان اختصاص دادند که این منابع برای معرفی و حمایت از سرمایه‌گذاران و تولیدکنندگان استان در نظر گرفته شده است. به گزارش روابط عمومی، علی‌اصغر طهماسبی در شورای اداری رامیان با اشاره به نشست‌های متعدد با سرپرستان بانک‌های کشوری، اظهار کرد: این تسهیلات کلان، فرصتی طلایی برای شتاب‌بخشی به پروژه‌های صنعتی، کشاورزی و گردشگری در گلستان فراهم می‌کند و ما متعهد هستیم تا فرایند معرفی و تخصیص آن را با سرعت و شفافیت پیش ببریم. وی افزود: اولویت تخصیص این منابع به طرح‌های زنجیره ارزش استان، مانند صنایع تبدیلی کشاورزی و توسعه منطقه آزاد اینچه‌برون، تعلق می‌گیرد. استاندار گلستان با انتقاد از پروژه‌های نیمه تمام از هشت تا ۴۴ سال در استان گلستان مانند پتروشیمی گلستان که باوجود تلاش همه دولت‌ها و استانداران به نتیجه نرسیده از پیگیری مستمر مصوبات سفرهای کاروان خدمت به شهرستان‌ها خبر داد و گفت: تمام مسائل شهرستان قبل از سفر بررسی و مصوبات هفتگی



اسلام دینی اجتماعی در کلام مثنوی



محمد رضا ایزد

مرغ گفتش: خواجه در خلوت مایست
دین احمد را ترهب نیک نیست
پرنده به صیاد گفت: ای آقا در خلوت توقف
مکن. یعنی خلوت نشینی مکن، زیرا در آیین
حضرت احمد(ص) ترک دنیا کار خوبی نیست.
از ترهب نهی کرده ست آن رسول
بدعتی چون در گرفتگی ای فضول؟
آن رسول (حضرت محمد (ص) مردم را از ترک دنیا نهی
کرده است. ای یاهو گو چرا چنین بدعتی را پیش گرفته ای؟
بر مکن پر را و دل برکن ازو
زآنکه شرط این جهاد آمد عدا
مولانا بیان می دارد که طریق سلوک و تعالی روحی
اختیار کردن گوشه نشینی و رهبانیت نیست و طبق
مفاد آیه ۲۷ سوره حدید، رهبانیت در اصل شریعت
عیسی(ع) نبوده است لیکن پیروان او آن را بر ساخته اند.
در مکتب عرفانی و اخلاقی مولانا نیز رهبانیت
و چله نشینی به صورتی که انقطاع کامل از خلق
باشد و کار و بار را تعطیل کند، وجود ندارد. چنان
که سلطان ولد گوید: چله، راه انبیاء نبوده، بدعت
است. آری عزلت، نیک است چون یاران بد باشند
اما از یاران نیک، عزلت چهل باشد که الجماعه
رحمه. مولانا در بیت ۲۵ دفتر دوم می فرماید:
خلوت از اغیار باید، نه ز یار
پوستین بهر دی آمد نه بهار

یعنی ای طاووس پر و بال خود را مکن بلکه
دل از پر و بال زیبای خود بکن، زیرا شرط جهاد
با نفس وجود دشمن است. همانطور که هیچ
پیکار برونی بدون دشمن معنی ندارد. جهاد
درونی نیز بدون وجود دشمن نفس بی مورد است.
چنان که صوفیان در معنی فقر نیز این
نکته را گفته اند: فقر، فقدان غنا نیست، بلکه
فقدان میل و رغبت به هر گونه غناست.
چون عدا نبوک، جهاد آمد مُحال
شهوت نبوک، نباشد امتثال
پس اگر دشمن نباشد، پیکار نیز محال است و اگر شهوت
نداشته باشی امتثال از اوامر الهی نیز تحقق نمی یابد.
جمعه شرط است و جماعت در نماز
امر معروف و ز منکر احتراز
نماز جمعه بر پا کردن و اقامه نماز به جماعت
و امر به معروف و نهی از منکر شرط موکد
مسلمانی است. آیین حنیف احمدی چنان به
جامعه گرایش دارد که مهم ترین عبادات آن نظیر
نماز و حج و غیره صیغه اجتماعی یافته است.
نماز را به جماعت بر پا داشتن مستحب موکد
است و نماز جمعه را فرادی نمی توان اقامه کرد
و ادای آن با کمتر از پنج نفر صحیح نیست.
در داستان صیاد و پرنده در دفتر ششم، صیاد نماد
سالک اهل خلوت است و پرنده نماد سالک اهل

صحبت. دآوری مولانا در مسأله خلوت و صحبت
و رجحان آن دو، جزئی و کلی و به صورت سلب
و ایجاب نیست. یعنی نه جزماً خلوت را مقبول
دانسته و نه قاطعاً صحبت را مذموم شمرده است.
بلکه می توان گفت که مولانا خلوت و صحبت
را منوط به احوال و مراتب سالکان دانسته است.
لیکن خود، صحبت را بر خلوت ارجح شمرده
است، به شرط آنکه حشر و نشر با صالحان
باشد نه با طالحان. چنانکه گوید: دوستان را در
دل رنجها باشد که آن به هیچ دارویی خوش نشود
نه به خفتن نه به گشتن و نه به خوردن الا به
دیدار دوست که لقا الخلیل شفاء العلیل و الا اگر
منظور صحبت و هم نشینی با بدان باشد مسلماً
خلوت بر صحبت رجحان دارد چنانکه آمده است؛
تهنایی بهتر از مصاحبت با هم نشین بد است.



ایده های جذاب برای تقویت خلاقیت کودکان

بیشتری در برقراری ارتباط و حل تعارض ها دارند و
مهارت های عاطفی و اجتماعی آن ها تقویت می شود.

پیشنهاد فعالیت های عملی در خانه

والدین می توانند با وسایل ساده و در دسترس، محیطی
خلاقانه فراهم کنند. برخی از فعالیت های محبوب عبارتند از:
نقاشی با نمک بر جسته: با چسب و نمک و رنگ،
طرح های سه بعدی بسازید.
مرمر سازی با کرم اصلاح و رنگ خوراکی: تجربه ای
بصری و سرگرم کننده که مهارت های حرکتی
و هماهنگی چشم و دست را تقویت می کند.
نقاشی با فوت یا پاشیدن رنگ: تقویت هماهنگی
دست و چشم و کنترل حرکتی.
ساخت آوین نوری با کاغذ شفاف: ترکیب نور و
رنگ برای تحریک حس بینایی و خلاقیت فضایی.
بازی با خمیر یا گل طبیعی: تقویت انگشتان، تخیل و
مهارت فضایی و سه بعدی.

نقاشی چرخشی و هنر تقارن: تجربه ای سرگرم کننده
و هیجان انگیز که دقت و تمرکز کودک را بالا می برد.
این فعالیت ها می توانند با تغییر فصول و موضوعات
مختلف جذاب تر شوند و کودک را به کشف محیط
پیرامون تشویق کنند.

مدیریت محیط و ایمنی

کلید موفقیت در این فعالیت ها، مدیریت محیط
است. انتخاب زمان مناسب، استفاده از پیش بند
و پوشش میز با روکش پلاستیکی، باعث کاهش
نگرانی از کثیفی می شود. همچنین مشارکت
کودک در تمیزکاری، مهارت مسئولیت پذیری
را تقویت می کند. برای خانواده هایی که نگران
آشفتگی هستند، شروع با رنگ های کم آسیب و
قابل شستشو، مانند فوم یا رنگ حمام، تجربه ای
موفق و بدون استرس فراهم می کند. با گذشت
زمان، می توان فعالیت های پیچیده تر و رنگارنگ تر
معرفی کرد و سطح خلاقیت کودک را افزایش داد.



زندگی آماده می کند. به گفته کارشناسان، کودکانی که
فرصت ابراز خلاقیت بدون محدودیت دارند، نسبت به
کودکانی که تنها نتیجه را می بینند، اعتماد به نفس بالاتر
و مهارت حل مسئله بهتری دارند. هنرهای پرآشوب به
آنها می آموزد که آزمون و خطا بخشی از یادگیری است
و هیچ اشتباهی واقعاً شکست محسوب نمی شود.

تقویت مهارت های اجتماعی و ارتباطی

فعالیت های گروهی هنری علاوه بر سرگرمی،
مهارت های اجتماعی کودک را پرورش می دهند.
یادگیری نوبت گرفتن، همکاری با دیگران، بیان
نظر و پذیرش اشتباه، همگی بخشی از این تجربه
هستند. همچنین لحظات مشترک والد و کودک
هنگام خلق آثار هنری، به تقویت پیوند عاطفی
و احساس امنیت روانی کودک کمک می کند.
بر اساس تحقیقات، کودکانی که به طور منظم در
فعالیت های خلاقانه گروهی شرکت می کنند، توانایی

حسی هستند. این فعالیت ها با تحریک حواس متعدد،
هماهنگی دست و چشم، تمرکز و مهارت های حرکتی
ظریف را تقویت می کنند. مثلاً در تکنیک مرمر سازی با
کرم اصلاح، کودک با مشاهده حرکت رنگ ها و ترکیب
آنها با هم، به درک اولیه اصول فیزیک و ترکیب مواد
می رسد. بازی با خمیر نیز فرصت تجربه فضایی و
سه بعدی فراهم می آورد و مهارت حل مسئله و تخیل
کودک را پرورش می دهد. علاوه بر این فعالیت هایی مانند
هنر نقطه گذاری یا چاپ با گوش پاک کن، علاوه بر جنبه
سرگرمی، باعث تقویت دقت و صبر کودک می شوند.

آزادی عمل و اعتماد به نفس

یکی از ویژگی های مهم هنرهای کثیف، کاهش ترس از
اشتباه است. کودکان می آموزند که نتیجه تنها بخشی از
فرایند است و ارزش واقعی در تجربه و خلق ایده های نو
نهفته است. این آزادی عمل، روحیه جسارت و نوآوری
را تقویت کرده و کودک را برای مواجهه با چالش های

با چند ابزار ساده مانند، یک قطره رنگ، یک مشت
خمیر و دستان کوچک پر از شور و هیجان می توانید
دنیای کودکان را پر از کشف و خلاقیت کنید. هر
بازی و هر تجربه عملی، نه فقط سرگرمی، بلکه پلی
برای رشد ذهن، مهارت های حرکتی و اعتماد به نفس
کودکان است. به گزارش ایرنا زندگی، فعالیت های
هنری، به ویژه بازی های حسی که به نام هنرهای
کثیف شناخته می شود، یکی از مؤثرترین ابزارهای
پرورش مهارت های شناختی، عصبی و اجتماعی در
کودکان محسوب می شوند. طبق تحقیقات منتشر
شده در سایت Artful Parent، این فعالیت ها
با تحریک همزمان حواس پنجگانه، موجب رشد
هماهنگی دست و چشم، بهبود تمرکز، افزایش انعطاف
ذهنی و تقویت مهارت های حل مسئله در کودکان
شده و نقش مهمی در آمادگی آنها برای آینده دارند.

هنرهای کودکانه چیزی فراتر از سرگرمی

فعالیت های هنری کودکانه تنها سرگرمی نیستند
بلکه نوعی سرمایه گذاری بر آینده ذهنی و شخصیتی
کودکان به شمار می آیند. هر بار که کودک دست هایش
را در رنگ فرو می برد یا خمیر را ورز می دهد، در
حال ایجاد ارتباطات عصبی جدید و تقویت
مهارت های شناختی خود است. پژوهشگران خارجی
بر این باورند که تجربه عملی و خلاقیت در کودکان،
پایه ای برای رشد تفکر مستقل و اعتماد به نفس
آنان است. این فعالیت ها می توانند شامل نقاشی،
ساخت اشکال سه بعدی با خمیر، یا ایجاد طرح های
رنگی و ترکیبی باشند. هر کلام از این تجربه ها به
کودک امکان می دهد تا با آزمایش، کشف و تکرار،
مهارت های تازه ای کسب کند و با مشکلات
کوچک روبه رو شده و راه حل های خلاقانه پیدا کند.

هنرهای حسی یا آزمایشگاه خلاقیت

نقاشی با نمک، بازی با خمیر، مرمر سازی با کرم اصلاح
یا نقاشی با فوت از طریق نی، نمونه هایی از هنرهای

آلبوم تصاویر

متن دوم



محمد صالح فصیحی

یک

ازین می گفتیم که هنرمندانی هستند که وقتی پای متلاشی شدن کل اثرشان به میان می آید، حتی اگر از تلاشی که برای ساختن اثرشان کرده اند بگذرند، باز از خود اثر، به عنوان یک موجود-موجودیت کامل و کافی و با ضرورت وجودی نمی گذرند و نمی گذرند از روند زیست-زیستن اثرشان و تمامی کنش-واکنش‌هایی که آن اثر آنها را هدایت میکند. این امر البته که به نحوه ی نگرش هنرمند به زندگی و هنر بستگی دارد. هنرمندی که خودش و اثرش را، ساخته-برساخته از اجتماع-تاریخش میداند و معتقدست به استعداد فطری-انتسابی نویسندگی، شاعری، هنرمندی. با این فرض زوال کلنل دولت‌آبادی منتشر نمیشود، جلد دوم رمان کمی دیرتر، از سیدمهدی شجاعی نیز، منطقه بحرانی علی احمدزاده نیز، یا در مثالی بعیدتر بیست زخم کاری محمود حسینی‌زاد نیز. حالا در اینجا و این موقعیتی که ما از متن اول دنبال کردیم، دو طیف از سینمای تقوایی داریم، که همین دو طیف - که با فیلم اول و آخرش دسته بندی میشوند - شمایل یک زندگی هنری و یک دیدگاه هنری به هنر و سیاست و سیاست هنری و هنر سیاسی را مشخص میکند.

دستگاه امنیتی باهاش تماس بگیرند و یا حتی احضارشان کنند. و این روند پرسش و پاسخ و بازپرسی برایشان عادی شده بود. ولی صرفاً برای او و باقی تیمشان عادی شده بود، نه برای کسانی که با آنها کار داشتند. پس این آفاسییلو ابتدا چندبار ممنوع‌الکار و ممنوع‌الخروج شد و مجبور شده بود بدون نام خودش کار کند و بعد که این تماس‌ها و احضارها و ترس و لرزها بیشتر میشو، تصمیم میگیرد دیگر کار نکند. من بهش گفتم که فکر نمیکنی این کار نکردنت همان چیزی است که آنها میخواهند؟ تو وقتی که مصاحبه میکردی و تحقیق میکردی و مینوشتی، آنها کاری میکردند تا تو در محدوده و چهارچوب آنها باقی بمانی و پایت را کج نگذاری، و حالا تو خودت داری همین کار را میکنی. هیچ کاری نمیکنی و این نه تنها میل آنها، بلکه ده‌ها برابر از آنی که میخواستند هم بیشترست. دیگر نه افتخار دارد و نه ادابازی و نه گرفتن ژست یک فرهنگی-هنری سختکوش و کارکننده و زخمی. نه. تو تسلیم شده ای و ازین بازی مرگ و زندگی کنار کشیده ای. ممکن است هرکاری یا هرحرفی درباره کارهای کرده‌ت یا کارهای نکرده‌ت بزنی، ولی آنی که مهمست اینست که تو در زمان حال هستی و ما هم، تو به آینده چشم دوختی و ما هم، و درین موقعیت، تو هیچ کاری نمیکنی. عینهو تقوایی.

سه

با این وجود، آیا میتوان شخصیهای اصلی فیلمهای تقوایی را بازتابی از خود تقوایی بدانیم؟ چه در آرامش، چه در ناخوابخویشید، چه ای ایران و یا کاغذ بیخط. افرادی که ممکن است در ابتدا شور و شوق و هیجانی داشته باشند، اما بعد کور میشوند و منفعل و بی غرور انگار که تمامی آینده و گذشته زیر سایه ای از خاطرات دفن میشود و این خاطرات، این گذشته، بار تمامی خوبی‌ها یا مساعلی‌ها یا تمامی آنچه را بر وفق مرادست به دوش دارد. و آینده نیز همیشه رو به بدتر و بدترتری میرود جلو و یاد باد آن روزگاران، یاد باد و چه خوش بودیم آن قبلن‌ها ما. اما کدام روزگار؟ همین امروز هم زمانی روزگار خواهد شد و همان روزهای گذشته هم روزگار نبوده است زمانی. زمان، مکان، انسان. چطور نگاه میکنی به شصت و هفت و آبان؟ چطور میگذری از زاغه‌های بی آب؟ از گشته‌های خمار، تن‌های تنها، بی تاب، بی حال، کودکان کار، سرهای دار، طاق سقف‌ها، هاره امراض، راز جنگها، زور گفتار، مردار، کولبرها، لرها، ترک‌ها، گردها، تقوایی مُرد، تقوا!-تق-وا، مرد عار ای-وای! ای وای؟ من فکر نمیکنم. این را هم میتوان با همزمانی در سینما و هم درزمانی در سینما نگاه کنیم. فرض کنیم تاریخ فشرده است. فرض کنیم که فشرده اش کرده ایم. با نگاه همزمانی بیانگاریم که کاغذ بیخط همین امروز ساخته شده. با داستانی امروزی و مدرن. و با پشتوانه ی این

بازیگران و کارگردان، فیلم نه در هنر و تجربه، بلکه در سینمای عامه اکران میشود. حالا این فیلم چقدر دیده میشود و چقدر مخاطب روش فکر میکند یا لذت میبرد ازش و چقدر فروش گیشه پیدا میکند؟ و یا چهل سال دیگر گذشته و ما یک مخاطب دوستدار سینمایم، آیا این فیلم برای ما جذابیت دیداری-سینمایی-فکری دارد؟ چه چیزی برای ارائه دارد تا ما، مانند بوف کور، مانند مردگان باغ سبز، روز و شب یوسف، تنگسیر، همسایه‌ها، طبیعت بیجان، باشو غریبه کوچک، مرگ یزدگرد، آدم برفی، و یا قاتل و وحشی باز به آن برگردیم و بخواهیم مرورش کنیم، درش کاوش کنیم، و یا صرفاً در آن در جستجوی حس و حال خوبی باشیم. حس و حالی که حتی اگر از فیلم نشأت نمیگیرد، از برداشت و درک ما نشأت بگیرد. چنانکه ممکن است سرگذشت شگفت‌انگیز امیلی، صرفاً فیلم ساده ای باشد، ممکن است کازابلانکا صرفاً درگیر غمی کوچیده باشد، قوی سیاه کمال طلبی ای شوریده باشد، مردی که لیبرتی را کشت، تپیکال عادی یک وسترن باشد، ولی ما، چه بیننده ی ساده اش باشیم و چه بیننده ی حرفه ای، چه با دغدغه ی سینما و چه در جستجوی یک تفنن عام، باز با این فیلمها حال میکنیم. حتی اگر مشمئز شویم، مانند سالو، مانند بازگشت ناپلیر. ولی آیا تقوایی و سینمایش نیز همینگونه است؟ شاید بگویید فیلمهایی که نام بردی برای کسانی است که خیلی خیلی بزرگتر از تقوایی هستند. و این مقایسه از بیخ و بن غلط است. ولی دو مسئله مطرح است و یکی بت سازی از فردی به نام تقوایی در ایران، و یکی بت سازی از عمل کسی مثل تقوایی در دهه هشتاد تا زمان مرگش. که در هردوی این موارد، او را در شمایل یک کارگردان بزرگ قرار میدهد که کاری بزرگ کرد، حتی با انجام ندادنش.

چهار

نسبت و مواجهه ی هنرمند با سیاست چیز جدیدی نیست. این حتی از واکنش‌های ساده ی روزمره ای که از هنرمندان مختلف نسبت به امور سیاسی میبینم شروع میشود و میتواند تا موارد بزرگتر یا حتی موثرتر و یا بحث برانگیزتر کشیده شود. از گفتگوها و سخنانی که این افراد میزنند تا کارهایی که میکنند یا نمیکنند. و خب درین بین آن افعال و اعمال است که مهمست. حرف نون و آب نمیشود. کاری که میکنی مهمست. حالا چه در راستای حرفت باشد و چه نباشد. اما یکسانی

خمیازه بزرگ تاریخ

رویای گنج غار

ما شجاع، مرد بی‌خانمانی که در نهایت متوجه می‌شویم توسط والدینش رها شده است، می‌رساند. رها کردن فرزندان به زودی به یک زیرمتن آشکار تبدیل میشود که به تلاش بیت‌الله نیز گسترش مییابد، زیرا او رویاهای خود را با معنویت همسو می‌کند. بیت‌الله می‌خواهد نیمی از گنج را به شریکش بدهد، زیرا مطمئن نیست که این سکه‌ها حلال هستند یا حرام - این گناه باید فوراً با مهربان ی و دادن نیمی از گنج به شجاع بخشیده شود. راستی نکته‌ای قانع‌کننده را مطرح میکند، نه در مورد ماهیت ایمان، که بدون شک بیت‌الله دارد، بلکه در مورد حرص و طمع، که از مهربانی پیشی می‌گیرد و

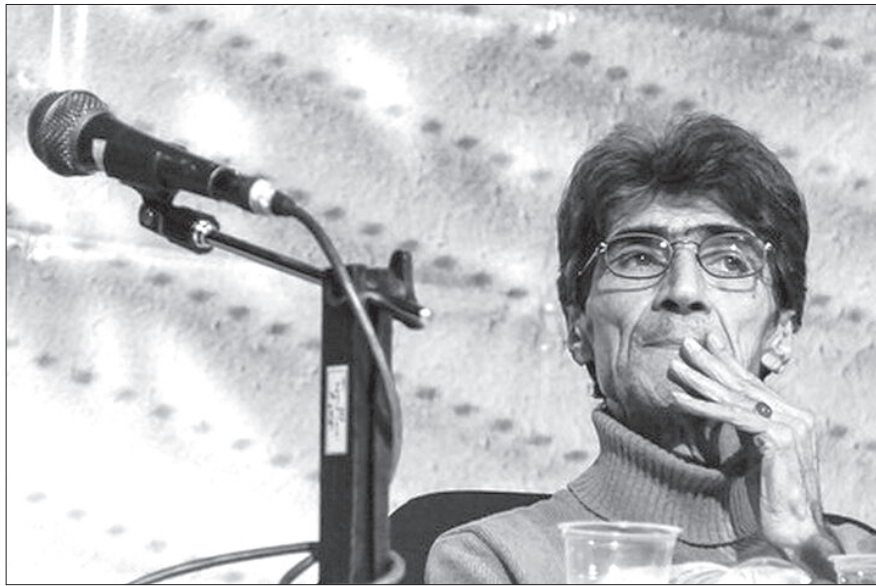
با کارگردانی دو فیلم کوتاه و تعدادی موزیک ویدیو، این یک ارائه‌ی خوب و تأمل برانگیز برای اولین فیلم بلند راستی است که از فیلمبرداری سروش علیرزاده نیز بهره می‌برد. خمیازه بزرگ پر از تضاد است. کویر و جنگل، حلال و حرام، مسن و جوان، واقع بینی و خرافه، باور و عدم باور، رستگاری و پوچی ... ما در ابتدا با شخصیت بیت‌الله رو به رو هستیم. فردی که خواب و رویای غاری را میبیند که در آن گنج وجود دارد و به دنبال یک شریک و همراه بی اعتقاد یا کافر است. نقشه بیت‌الله برای پیدا کردن یک کافر یا فردی بدون اعتقاد، کم‌دی ترین بخش فیلم است، مجموعه‌ای از مصاحبه‌ها که در آن، سوالات مرموز او در نهایت او را به شخصیت بعدی



سارینا صادقی



پس از سی-چهل سال به این موقعیت رسیده، این کارش شاید صرفاً از خستگی یا بی‌دغدگی نشأت گرفته شده باشد. ما میبینیم هنرمندانی را که حتی به زور و با نهایت فشار مالی و خطر جانی، همچنان مسیر هنری و فکری‌شان را میسازند. هم هنر را و هم زندگی هنرشان را و هم تأثیر هنرشان را، حق خود میدانند. که این حق، با جدانشینی و کناره‌گیری سازش پیدا نمیکند. فرد، میشود یک آب جاری، که نمیکنند و آبشار میشود اگر نترسد از دره(داغ،بهرام) جاری میشود از تنهایی و بی‌کارگی اتاقش: از قله‌ی فکر رود جاری شد به جستجو/ولی هنوز مسلح به خشم و عشق و دغدغه/از ناخونای پا تا تار مو/بیا بیرون از اتاقت کسی چیز بیشتر نمیده بهت/ آگه چیز بیشتر نخوای نگو: کافیه بسه، بگو: لازمه کمه/ پی کافی و کم نباش/بیا بیرون از اتاقت جات وسط این منظره‌هاست/نترس آگه غریبه ای دیدی غریبگی/توهمه پوچه پشت این پنجره‌هاست/بیا بیرون از اتاقت کسی چیز بیشتر نمیده بهت/آگه چیز بیشتر نخوای نگو: کافیه بسه، بگو: لازمه کمه/پی کافی و کم نباش/بیا بیرون از اتاقت این راه با پاهات آشناست/اینجا هرکی پی جایگاه، تعیین کن جایگاهت کجائه/تو، تو این جامعه جایگاهت کجاست(گوش، بهرام) البته که مثالم اطرافتان پر است. از بزرگانی چون ناصر خسرو(تغییر شخصیتش پس از آن رویا و رفتن به سفر حج و سپس دگرگون شدن کل زندگی و اشعارش) و حافظ(نقد ریاکاری و نفاق دینی) و فردوسی(سرودن شاهنامه ی فارسی در رسا و ثنای هویت پهلوانی و فارسی در زمامداری غزنویان) و نصیرالدین طوسی(وزارت ایرانیش در دستگاه مغول) و جوینی(نوشتن تاریخ جهانگشا و نقد همان حکومتی که برایشان مینوشت در همان متنی که برایشان مینوشت) تا گذار(ساخت فیلم و در فکر فیلم بودن حتی تا زمان اتانازی‌ش و نیز ساخت فرم فیلم-مقاله) و مکر(کنکاش فرمیک در قتل و جنایت و تاریخ به مثل جنایت بی دقت) و پازولینی(قبول تمامی جوانب ساخت سالو، و کشته شدن به پای فیلمش-فکرش) و کیارستمی(دروغ گفتن در فیلمهایش-تصاویرش و حتی پایبند به یک جغرافیا نبودن برای تولید هنرش)، تا فرشاد(یاد گرفتم غرق بشم توی هنرم - بپرس، لغو)، یاس(اینم آهنگ نیست به سکوتم لحن دادم - باغ، فدایی)(خانه هرکی که سکوت میکنه، ملت بیدار شید خورشید داره سقوط میکنه - مهر و رها، حق)، شاپور(بی‌طرفی، نظام به تو تکیه کرده - کرکره) و یا علی سورنا(زندگی کردم، مثل شیر، از جنگ، نترسیدم نعره کشیدم، لاشخورها میرفتن. آگه درنده نبودم بهم نمیرسید حقم. آگه درنده نبودم بهم نمیرسید حقم - بندباز مست، مجسمه). حالا، می‌ای بیرون از اتاقت؟ چگونه بهت میرسد حق‌ت؟



میدهد یا نمیدهد. تقوایی گفته نمیسازد و رو حرفش هم مانده و نساخته. خود تو مگر نگفتی حرف و عملش یکسان باشد؟ خب بیا. یکسانی بیشتر از این؟ بیشتر از بیست سال رو حرفش ماند و بعش هم فوت کرد. چه میخوای بیشتر از این؟ این را: اولاً وقتی شما دیگر کار هنری انجام نمیده‌ی، دیگر هنرمند نیستی. دوماً نمیتوانی خودت و ما را توجیه کنی که شرایط نبود و نتوانستم. چراکه مثال نقض برای خودت و صنف از شماره بیرون است. سوماً تو یا میخواستی با این کارت شرایط را تغییر دهی یا نمیخواستی. اگر میخواستی، باید طبق تحقیق و تدقیق متوجه میشدی که با این کار، شرایط تغییر نمیکند و تغییرنکردنش مساوی بی عملی شماست و بی عملی شما یعنی دور شدن از هنرت و دور شدن از هنرت هم شما را از هنرمندبودن دور میکند هم عین همان ماجرای روزنامه نگار، شما را خودخواسته به همان مسیری که می‌خواسته اند فرستاده اند و با این مسیر، قطعاً چیزی رخ نمیدهد و شرایط عوض نمیشود. و اگر نمیخواستی تغییر دهی، باید این کناره‌گیری‌ات را مساوی ناتوانی و خداحافظی درنظر بگیری و متبادر کنی و نه یک رفتار قابل تعمیق. میتوانیم غم‌انگیزبودن مسیری که یک هنرمند را به این نقطه رسانده درک کنیم و ناله ی وااسفا سر دهیم برای فرهنگی که هنرمندی را به سکوت و بی‌هنری میکشاند. یا حتی میتوانیم هنرمند تازه‌کاری را در ابتدای کارش، با همچه رویه‌ای بپذیریم. چراکه ممکن است تجربه نداشته باشد یا به آن بلوغ فکری نرسیده باشد. اما کسی که در هردو سیستم کار کرده است و

نمیزنم تا این اجتناب، راهی باشد برای ایجاب آینده‌ی آزاد هنری. چنانکه خود تقوایی در سخنش، یک قضیه‌ی شرطی را مطرح میکند: من نمی سازم «تا» هنگامی که همچه شرایط و مناسباتی بر تولید حکمفرماست. این شرایط تولید هنری، هرچه که باشد، نمایشگر اینست که این وضع فعلی مطلوب نیست و درست نیست، و من، من تقوایی یا من هنرمند، تصور و برداشت دیگری دارم از وضع تولید هنری، پس این وضع نه، و آنی که می‌خواهم، بله. این حتی به واقعیت یا حقیقت نیز مرتبط نمیشود خیلی. میشود اما نه خیلی. چرا؟ چراکه آن حقیقتی که ما از شرایط تولید هنری مدنظرمان است، ممکن است خیلی دور باشد یا حتی رویایی باشد، ولی مسئله اینجاست که در همین وضع فعلی و اکنون، ما باز هنرمندانی را داریم که دست به تولید میزنند و این تولید هنری آنها، همانی است که می‌خواهند و همانی است که چه شرایطش بود و چه شرایطش در سیستم-فرهنگ نبود، باز همان را انجام میدادند. حتی نیازی نیست که این را در قیاس با یک هنر متعهد یا سیاسی بنگرید، بلکه بنگرید به مثلاً خوانندگانی که شاد میخوانند و همچنان مجوز ندارند(مانند امید جهان تا قبل از مجوزگرفتنش یا کسان دیگری که شبیه او هستند). مثل نویسندگانی که در حوزه ی اقتصاد یا سیاست یا فرهنگ فعالیت میکنند و حتی شاید از یک سایت عادی متونشان منتشر شود، ولی باز کارشان را انجام میدهند(مثل عادل ایرانخواه یا حسن معارفی‌پور یا کسانی ازین دست). شاید بگویید که داری زیادی قضیه را پیچیده میکنی. طرف یا کاری انجام

حرف و عمل در یکسو دارای اهمیت است و نیز تأثیرگذاری‌اش در زمان حاضر و هم هدف-عقیده ای که در آن حرف-عمل نهفته است یا فهمیده میشود. که بله سهراب شهیدثالث نیز از ایران میرود ولی باز کار میکند، عباس معروفی هم، یا در مثالی متناقض و عجیب، محسن مخملباف هم. بیضایی نیز ممکن است دیگر کار نسازد یا ننویسد، ولی باز تدریسش هست. متنهای تحقیقی و تحلیلیش هست. و حتی درین کارها هم، باز جهانی‌بینی و هدف این هنرمند، مطرح میشود و این کار در سیر زندگی هنری این فرد به عنوان هنرمند بی ربط نیست. اگر، اگر که ما این فرد-افراد را همچنان به هنر، منتسب و مزین میکنیم. و الا می توانیم مانند صحبت رضا-امیرخانی در بنیاد ادبیات داستانی ایران، بگوییم که نویسنده، تا وقتی نویسنده است که می نویسد و اگر زمانی بود که نوشت - چه رو کاغذ چه در ذهن با تمامی معانی نوشتاری برای یک نویسنده - آن وقت دیگر نویسنده نیست و خود امیرخانی میگوید که دیگر نویسنده ننمایدش. البته او نسبت به خودش حرف میزند و میگوید آن زمانی که نمی نوشته و وقعه افتاده بین نوشتن این کتاب و آن یکی کتابش، و مشغول کارهای دیگری بوده است، در آن زمان دیگر نویسنده نبوده. به یک دلیل منطقی و واضح: چون نمی نوشته. حالا این در یک دید ابتدایی تعبیر میشود. شبیه یک دو-دوتا چهارتای ریاضی. اما وقتی همین نویسنده، می گوید من نمی نویسم چون ننوشتن من واجد معناست، چون ننوشتن من، نشانه ی اعتراضی است به هر نوع ساختاری که این نوشتن من به آن مربوط میشده است، آن موقع چگونه میشود این را در یک دستگاه - فرضاً - ریاضی تحلیل کنیم؟ اگر باز با همان دید ابتدایی بخواهیم جلو برویم، آنگاه میشود مثال زد که من نمی‌نویسم تا - مثلاً - اثرم سانسور نشود، تا پخشش درست باشد، تا با هر ماژور یا سرمایه گذاری همکاری نکنم، آنگاه درست است که دیگر اثرم سانسور نمیشود، مسئله ی پخشش دیگر مطرح نمیشود، و یا سرمایه گذاری اصلاً قید نمیشود، اما این نتایج به دست آمده، دقیقاً به این دلیل است که من اصلاً اثری تولید نکرده‌ام تا این اثر، در دستگاه فرهنگی-سیاسی درگیر این مسائل شود. منطقی است؟ این یک. دو اینکه توی هنرمند می‌گویی نه، داری اشتباه می‌روی صالح. من به هنرم دست

قلب را آسیب پذیر و بی‌حاصل می‌کند . اما در فیلم به تدریج شخصیت شجاع اهمیت استراتژیکی پیدا میکند و روند درام بر محور تغییر انگاره هایش حرکت می‌کند تا جایی که در انتها جهان فیلم بر مدار جهان ذهنی شجاع پیش می‌رود. ما به تدریج این حس را از شجاع می‌گیریم که او چیزی بیش از ثروت را دنبال می‌کند. او به دنبال حس هویت است - حسی که عاری از تعصب و معجزات ادراک‌شده باشد . فیلم ضمن دنبال کردن سفر مردی درمانده که توسط مرد دیگری که به مرز جنون رسیده هدایت می شود و حتی لحظات طنزآمیزی را خلق می‌کند که ناشی از سوءاستفاده رئیس جدید از شجاع است، رئیسی که مذهبیش مانع از سوءاستفاده او از افراد آسیب پذیرتر نمی‌شود: برای مثال، وقتی جایی برای خوابیدن ندارند، بیت‌الله پیشنهاد می‌دهد که پسرک در ازای محل اقامت و استراحت، کار کند، در حالی که مرد دیگر تا زانو در گودال گلی فرو می‌رود. و اما در انتها شجاع نیز توسط یک پدر معنوی رها و گمراه می‌شود. شجاع یک نماد واقعی است که به دنبال خود می‌گردد، صرفاً به این دلیل که هیچ چشمانداز بهتری، چه از نظر مالی و چه از نظر مذهبی، ندارد. این فیلم موفق می‌شود در طول مدت زمان خود، هم علائق

انتزاعی و هم ریشه‌ای خود را حفظ کند، که عمدتاً به دلیل دو بازی بسیار خوب دو مرد است که ما اطلاعات کمی از نیت‌هایشان (و همچنین خودشان) داریم، اما همچنان می‌توانند در حرکات و روابطشان جالب و افشاگرانه باقی بمانند. مطمئناً جای تعجب نیست که بدانیم کارگردان شاگرد کیارستمی بوده است . فیلمبرداری سرور علیزاده، تصویری از ایران را ارائه میدهد که هم زیبا و هم متروک، هم شلوغ و هم ساکت است. فیلم هرگز ما را کاملاً درگیر نمی‌کند و حول یک ساختار اپیزودیک می‌چرخد که پس از تثبیت، شخصیت‌هایش را در یک روایت باریک اما متمرکز قرار میدهد. در نهایت، فیلمساز قادر به غلبه بر پوچگی‌ای که این افراد را به حرکت در می‌آورد نیست و با معضلی روبرو می‌شود که در خود فرضیه نهفته است: اگر گنج را پیدا کنند، فیلم ویزگیهای رئالیسم جادویی را به خود می‌گیرد و زنج‌های قبلی آنها را از بین می‌برد؛ اگر این کار را نکنند، این سفر از دیدگاه دراماتیک، بی‌دلیل و ناامیدکننده به نظر میرسد- مشکلی که فیلم هرگز راه حلی برای آن پیدا نمی‌کند. در کل وجود همچنین فیلم هایی در سینمای ایران بسیار کم و وجود آنها بسیار مهم است چرا که همچنین فیلم‌هایی امیدی برای نسل جدید فیلمسازان جوان است. کاش میتوانستیم این فیلم را در سینماهای کشورمان تماشا کنیم.





روی خوش سرمایه‌گذاران به اینچه‌برون

اقتصادی کشور در بازدید از غرفه منطقه آزاد اینچه‌برون، با اشاره به پیشرفت‌های چشمگیر منطقه طی یک سال گذشته، گفت: اینچه‌برون، به عنوان یکی از مناطق جدید کشور که سال گذشته فاقد زیرساخت‌های اجرایی بود، اکنون پروژه‌های متعددی در حوزه‌های لجستیک، تجاری و صنعتی را آغاز کرده و موقعیت بسیار مناسبی برای جذب سرمایه‌گذاری دارد. وی این منطقه را «نقطه طلایی تجارت شمال کشور» توصیف کرد و بر نقش آن در اتصال ایران به چین، قزاقستان و ترکمنستان تأکید نمود. عضو هیات مدیره و معاون اقتصادی و سرمایه‌گذاری سازمان منطقه آزاد اینچه‌برون، نیز با ارائه گزارشی از اقدامات انجام‌شده و برنامه‌های در دست اجرا، گفت: طراحی و تأمین مالی مرکز لجستیک هوشمند از اولویت‌های اصلی است و راه‌اندازی زون صنعتی با توجه به ظرفیت بالای بازار کشورهای همسایه، در دستور کار قرار دارد. بهروز سامان افزود: توجه ویژه در سطح ملی به اینچه‌برون می‌تواند نقش مهمی در تسریع توسعه، راه‌اندازی زیرساخت‌ها و بالفعل‌سازی ظرفیت‌های ترانزیتی ایفا کند.

گلستان این اقدامات را نمادی از تلاش برای رضایتمندی مردم در برابر تحریم‌ها توصیف کرده و تأکید دارد که توسعه استان از گذرگاه اینچه‌برون می‌گذرد. در همین راستا، بیش از ۷۰ شرکت داخلی و خارجی برای سرمایه‌گذاری ثبت‌نام کرده‌اند و ارزش کل سرمایه‌گذاری‌های مصوب به ۹۰ هزار میلیارد ریال رسیده که بخش عمده آن در حوزه‌های لجستیک هوشمند و زون‌های صنعتی متمرکز است. این ظرفیت‌ها در دوازدهمین نمایشگاه بین‌المللی کیش اینوکس ۲۰۲۵ و در دیدار حسن ملک حسینی، مدیرعامل سازمان منطقه آزاد اینچه‌برون با جمعی از سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی، فعالان اقتصادی و مدیران مناطق آزاد کشور برجسته شد. در این نشست‌ها، پتانسیل‌های متنوع منطقه در حوزه‌های ترانزیت لجستیک و صنایع تبدیلی تشریح گردید که با استقبال چشمگیر سرمایه‌گذاران روبه‌رو شد. ملک حسینی در حاشیه این دیدارها بر آمادگی کامل منطقه برای تسهیل فرآیندهای سرمایه‌گذاری و حمایت از طرح‌های مشارکتی تأکید کرد. در ادامه، رضا مسرور، دبیر شورای عالی مناطق آزاد و ویژه

منطقه آزاد تجاری-صنعتی اینچه‌برون گلستان به عنوان یکی از کلیدی‌ترین نقاط اتصال ایران به کریدورهای بین‌المللی شمال-جنوب و شرق-غرب، ظرفیت‌های بی‌نظیری در حوزه‌های ترانزیت، لجستیک، صنایع تبدیلی و تجارت مرزی دارد که چشم‌انداز بلندمدت آن، صادرات محصولات کشاورزی، صنعتی و معدنی گلستان به بازارهای ۵۰۰ میلیون نفری اوراسیا است. به گزارش ایرنا، این منطقه که با همسایگی مستقیم با کشورهای آسیای میانه مانند ترکمنستان، قزاقستان و ازبکستان قرار گرفته، به عنوان دروازه ورود عمل می‌کند و با بهره‌گیری از خطوط ریلی موجود و در حال توسعه، می‌تواند حجم ترانزیت کالا را تا هفت میلیون تن در سال افزایش دهد و نقش محوری در خودکفایی اقتصادی شمال شرق کشور ایفا کند. دولت چهاردهم با عزم جدی برای عملیاتی‌سازی این پتانسیل‌ها، حمایت‌های گسترده‌ای از جمله تخصیص بودجه‌های عمرانی، تسهیل فرآیندهای سرمایه‌گذاری و رونمایی از پلاک‌های اختصاصی منطقه را پیگیری کرده است. علی‌اصغر طهماسبی استاندار

۱۰ هزار گنبدی مبتلا به قند تلخ هستند

بیماری را در هر سنی توانمند می‌سازد، است. وی با اشاره به اجرای طرح پیشگیری و کنترل دیابت در جوامع روستایی گنبدکاووس از سال ۱۳۸۳ و ادغام آن با نظام سلامت کشور، گفت: از آن سال تاکنون برنامه‌های متعددی در راستای شناسایی و مراقبت از افراد مبتلا به این بیماری در مناطق روستایی این شهرستان درحال اجراست. پالیده افزود: برنامه خطرسنجی بیماری‌های دیابتی و قلبی و عروقی ویژه افراد بالای ۳۰ سال برای شناسایی مبتلایان به این بیماری‌ها در تمامی مراکز خدمات جامع سلامت، پایگاه‌ها و خانه‌های بهداشت گنبدکاووس درحال اجرا بوده و افراد می‌توانند با مراجعه به نزدیکترین واحد بهداشتی محل سکونت خود و تکمیل فرم پرسشنامه، جهت انجام آزمایش رایگان قندخون و کلسترول به آزمایشگاه معرفی شوند. وی بایان اینکه افراد مبتلا به دیابت، ماهانه توسط مراقبین سلامت و به‌رورزان مورد مراقبت قرار می‌گیرند، اضافه کرد: این بیماران به‌صورت فصلی نیز توسط پزشکان مراکز خدمات جامع سلامت مورد معاینه و ارزیابی قرار گرفته و در صورت نیاز به پزشکان متخصص ارجاع خواهند شد.



مراقبت از دیابت باید در مراحل زندگی ادغام شود و حمایت از تندرستی و خود مراقبتی، مبتلایان به این

می‌تواند افراد را در هر مرحله زندگی تحت تأثیر قرار دهد، از کودکی تا سنین بالاتر، تلاش‌های پیشگیری و

رئیس مرکز بهداشت گنبدکاووس از شناسایی و مراقبت از ۱۰ هزار و ۱۸۴ بیمار بالای ۳۰ سال مبتلا به دیابت (قند خون) در مناطق روستایی این شهرستان خبر داد و گفت: آزمایش قند خون در مراکز بهداشتی برای گروه سنی اشاره شده به‌صورت رایگان باهدف شناسایی افراد مبتلا به این بیماری خاموش درحال انجام است. عبدالرحیم پالیده با بیان اینکه این بیماری تمام مراحل زندگی از کودکی تا سالمندی افراد مبتلا را تحت تأثیر قرار می‌دهد، افزود: روز جهانی دیابت بزرگترین کمپین آگاهی از این بیماری در جهان بوده و هدف از بزرگداشت آن هم ترویج اهمیت اقدام هماهنگ برای مقابله با دیابت به‌عنوان یک مساله مهم بهداشت جهانی است. پالیده اضافه کرد: در سال‌های اخیر افزایش شیوع بیماری دیابت در جهان این بیماری را به بزرگترین اپیدمی تبدیل کرده و امسال شعار هفته ملی دیابت و شعار سازمان جهانی بهداشت، «دیابت در مراحل مختلف زندگی» (Stages Life The Across Diabetes) تعیین شده است. رئیس مرکز بهداشت گنبدکاووس ادامه داد: پیام‌های کلیدی هفته ملی دیابت شامل «دیابت

مایع دستشویی را هوشمندانه انتخاب کنیم

فردی، به سلامت محیط نیز کمک می‌کند.

نکات طلایی برای شست‌وشوی سالم دست‌ها

حتی بهترین مایع دستشویی هم اگر درست استفاده نشود، ممکن است اثر معکوس داشته باشد. رعایت چند نکته ساده می‌تواند سلامت پوست و اثربخشی شست‌وشو را تضمین کند: مدت زمان شست‌وشو: دست‌ها باید حداقل ۲۰ ثانیه با مایع و آب ولرم شسته شوند. دما: آب بسیار داغ باعث خشکی پوست می‌شود. خشک کردن: استفاده از حوله تمیز یا دستمال کاغذی ضروری است، چون رطوبت باقی‌مانده محیط رشد میکروب‌هاست. مرطوب‌کننده پس از شست‌وشو: در فصول سرد یا برای پوست خشک، استفاده از کرم مرطوب‌کننده بلافاصله بعد از شستن دست‌ها توصیه می‌شود. تعویض دوره‌ای محصول: تغییر برند یا نوع مایع هر چند ماه یک‌بار می‌تواند از بروز حساسیت ناشی از عادت پوست به ترکیب خاص جلوگیری کند.

نقش روانی و اجتماعی تمیزی دست‌ها

شستن دست‌ها فقط عملی بهداشتی نیست، اثری روانی نیز دارد. تمیزی دست‌ها باعث احساس آرامش، نظم و اعتماد به نفس می‌شود. تحقیقات نشان داده است افرادی که عادت دارند دست‌هایشان را مرتب بشویند، از اضطراب کمتری در روابط اجتماعی رنج می‌برند. در واقع، بهداشت شخصی بازتابی از احترام به خود و دیگران است. مایع دستشویی خوش‌بو و ملایم، در کنار تأثیر فیزیکی بر سلامت، نوعی تجربه حسی مثبت نیز ایجاد می‌کند. رایحه گل، مرکبات یا گیاهان معطر در هنگام شست‌وشو می‌تواند استرس روزمره را کاهش دهد، به‌ویژه اگر از اسانس‌های طبیعی استفاده شده باشد.

انتخاب آگاهانه برای سلامت دستان و زندگی

مایع دستشویی شاید یکی از ساده‌ترین محصولات روزمره باشد، اما تأثیر آن بر سلامت پوست و پیشگیری از بیماری‌ها چشمگیر است. تفاوت میان یک محصول سالم و یک مایع نامرغوب، می‌تواند در چند ترکیب ساده خلاصه شود اما همان تفاوت، مرز میان پوست سالم و پوست خشک و آسیب‌دیده است. انتخاب مایع دستشویی باید مانند انتخاب مواد غذایی باشد، با دقت، آگاهی و توجه به جزئیات. محصولاتی با ترکیبات طبیعی، فاقد مواد مضر و دارای تعادل PH، بهترین گزینه برای مراقبت از دستان هستند. در نهایت، سلامت در دستان ماست، نه فقط با شستن آن‌ها، بلکه با انتخاب آگاهانه چیزی که برای شست‌وشو به کار می‌بریم.



سورفکتانت‌های قوی، از ترکیبات ملایم‌تر مانند کاپریل گلوکوزید یا دسیل گلوکوزید استفاده می‌کنند که از منابع گیاهی (مثل نارگیل یا ذرت) استخراج می‌شوند. برخی از ترکیبات مفید در این نوع محصولات عبارت‌اند از: آلئوورا: رطوبت‌رسان طبیعی، ضد التهاب و ترمیم‌کننده پوست. بابونه: آرام‌بخش و ضد حساسیت. روغن زیتون و بادام: تغذیه‌کننده و نرم‌کننده پوست. عسل و گلیسرین طبیعی: حفظ رطوبت و لطافت پوست. مایع‌های دستشویی گیاهی معمولاً فاقد پارابن، رنگ مصنوعی و عطرهای شیمیایی هستند. همین ویژگی آن‌ها را برای کودکان، سالمندان و افرادی با پوست حساس مناسب‌تر می‌کند.

بهترین نوع مایع دستشویی از نظر کیفیت

بهترین مایع دستشویی، محصولی است که سه ویژگی کلیدی را همزمان داشته باشد: قدرت پاک‌کنندگی بالا بدون تخریب چربی طبیعی پوست: مایع باید بتواند آلودگی را به‌طور کامل پاک کند، اما باعث خشکی یا کشیدگی پوست نشود. وجود گلیسرین و ترکیبات مرطوب‌کننده نشانگر خوبی از این ویژگی است. ترکیبات ایمن و کنترل‌شده: محصولاتی که برچسب Dermatologically Tested (تأییدشده توسط متخصص پوست) یا pH Balanced دارند، معمولاً ایمن‌ترند. همچنین نبودن موادی مانند SLS، پارابن، و رنگ مصنوعی نشانه کیفیت بالاتر است. فرمولاسیون متعادل و سازگار با محیط زیست: محصولات جدیدتر با ترکیبات زیست‌تجزیه‌پذیر و بسته‌بندی قابل بازیافت، علاوه بر سلامت

ویتامین E که اثر نرم‌کنندگی و ترمیمی دارند. ترکیب درست این مواد تعیین می‌کند که یک مایع دستشویی تا چه اندازه برای پوست ایمن و مفید است.

عوارض استفاده از مایع دستشویی نامرغوب

اگرچه هدف مایع دستشویی پاکیزگی است، اما برخی محصولات بی‌کیفیت یا حاوی ترکیبات شیمیایی قوی می‌توانند خود عامل آسیب شوند. مهم‌ترین عوارض استفاده نادرست عبارتند از: خشکی و ترک پوست: مایع‌های حاوی سولفات بالا به‌ویژه SLS چربی طبیعی پوست را از بین می‌برند. تحریک و خارش: عطرها و رنگ‌های مصنوعی ممکن است موجب حساسیت در افراد با پوست حساس شوند. درماتیت تماسی: تماس مکرر با شوینده‌های قوی می‌تواند باعث التهاب مزمن پوست شود. تغییر PH پوست: پوست به‌طور طبیعی کمی اسیدی است حدود ۵.۵ PH. مایع‌های قلیایی تعادل این محیط را بر هم می‌زنند و زمینه را برای خشکی یا عفونت فراهم می‌کنند. متخصصان پوست توصیه می‌کنند افرادی که دچار خشکی یا حساسیت هستند، از مایع‌های دستشویی بدون سولفات استفاده کنند.

مایع‌های دستشویی گیاهی و طبیعی؛

گزینه‌ای سالم‌تر

در سال‌های اخیر، با افزایش آگاهی عمومی نسبت به ترکیبات شیمیایی، مصرف مایع‌های دستشویی گیاهی یا طبیعی رو به گسترش است. این محصولات به جای

دست‌ها آینه سلامت ما هستند اما آیا می‌دانید مایعی که هر روز با آن دست‌هایتان را می‌شوید، می‌تواند به همان اندازه که تمیز می‌کند، آسیب هم برساند؟ ترکیبات شیمیایی قوی، عطرهای مصنوعی و PH نامتعادل برخی مایع‌های دستشویی ممکن است پوست را خشک و حساس کنند. به گزارش ایرنا زندگی، در دنیای امروز که رعایت بهداشت فردی بخشی از سبک زندگی سالم به‌شمار می‌آید، مایع دستشویی از ضروری‌ترین محصولات بهداشتی هر خانه است. اگرچه شستن دست‌ها کاری ساده و روزمره به نظر می‌رسد، اما نوع مایعی که برای آن استفاده می‌کنیم، می‌تواند نقش مهمی در سلامت پوست، پیشگیری از بیماری‌ها و حتی تعادل میکروبی بدن داشته باشد. مایع دستشویی، فراتر از یک شوینده ساده، محصولی است که می‌تواند بسته به کیفیت ترکیبات آن و همچنین دفعات استفاده و نوع پوست مصرف‌کننده، هم مفید و هم مضر باشد.

اهمیت بهداشت دست و نقش مایع

دستشویی

دست‌ها از مهم‌ترین مسیرهای انتقال آلودگی هستند. طبق گزارش سازمان جهانی بهداشت (WHO)، بیش از ۸۰ درصد بیماری‌های عفونی از طریق تماس دست‌ها منتقل می‌شوند. ازاین‌رو، شستن منظم و صحیح دست‌ها مؤثرترین و ساده‌ترین روش پیشگیری از بسیاری از بیماری‌هاست. مایع دستشویی به دلیل ساختار مایع و ترکیب مواد شوینده، چربی‌ها، گردوغبار، و میکروب‌ها را از سطح پوست جدا می‌کند و در عین حال امکان استفاده مشترک و بهداشتی‌تری نسبت به صابون جامد فراهم می‌سازد. اما آنچه در سال‌های اخیر مورد توجه متخصصان پوست و سلامت قرار گرفته، این است که تمام مایع‌های دستشویی، سالم یا بی‌ضرر نیستند.

ترکیبات اصلی مایع دستشویی

مایع‌های دستشویی معمولاً از ترکیب چند بخش اصلی تشکیل می‌شوند: مواد شوینده: موادی مانند سدیم لوریل سولفات (SLS) یا سدیم لورت سولفات (SLES) که با شکستن پیوندهای چربی، آلودگی را از پوست جدا می‌کنند. مواد مرطوب‌کننده: مانند گلیسرین یا پروپیلن گلیکول که مانع از خشک شدن پوست پس از شست‌وشو می‌شوند. عطر و رنگ: برای افزایش جذابیت محصول. مواد نگهدارنده: مانند پارابن‌ها، برای جلوگیری از رشد باکتری و قارچ در خود مایع. افزودنی‌های درمانی یا گیاهی: مانند عصاره آلئوورا، بابونه، یا

می‌کند. معاون آموزش مرکز مطالعات راهبردی و آموزش وزارت کشور با اشاره به تغییرات شتابان در فناوری‌های دیجیتال، هوش مصنوعی، مدیریت داده‌محور و الزامات حکمرانی الکترونیک، افزود: کارکنان امروز در معرض چالش‌هایی هستند که ۱۰ سال پیش وجود نداشت. اگر آموزش را جلی نگیریم، فاصله بین دانش روز و عملکرد واقعی کارکنان هر روز بیشتر می‌شود و این، مستقیماً به کاهش بهره‌وری، افزایش خطا و کاهش اعتماد عمومی منجر خواهد شد. براتی از مدیران گلستان خواست آموزش را اولویت اول سازمان خود قرار دهند تا با اجرای برنامه‌های آموزشی مهارت‌محور، تخصصی و مبتنی بر نیازسنجی واقعی، مدیران و کارکنان بتوانند برای خدمت به آینده ایران اسلامی تربیت شوند.

معاون آموزش مرکز مطالعات راهبردی و آموزش وزارت کشور با استناد به پژوهش ملی، اعلام کرد: ۵۴ درصد مدیران و کارکنان دستگاه‌های اجرایی نیازمند آموزش هستند که از این تعداد، ۳۵ درصد حداقل ۶ ماه، ۹ درصد بین ۶ تا ۱۲ ماه و ۱۰ درصد بیش از یک سال نیاز به آموزش دارند تا با تغییرات تکنولوژیکی، اقتصادی و اجتماعی همگام شوند. به گزارش روابط عمومی، علیرضا براتی در دوره آموزشی یک روزه «هم‌اندیشی دانش و مهارت حکمرانی» در گرگان اظهار کرد: ضعف نظام آموزشی مهم‌ترین دلیل ناکارآمدی اصلاح نظام اداری است. وی بیان کرد: آموزش نه یک فرایند موقت، بلکه جریانی همیشگی است که مهارت، نگرش و توانمندی کارکنان را در برابر دگرگونی‌های کشور تقویت

۵۴ درصد کارکنان کشور نیازمند آموزش فوری هستند